

مؤلفه‌های اخلاقی، معنوی و اخروی رکوع در قرآن و احادیث

فاطمه منصوری مطلق<sup>۱</sup>

طیبه اکبری راد<sup>۲</sup>

مریم حاجی عبدالباقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸

چکیده:

رکوع یکی از مهم‌ترین ارکان نماز است که بالاترین عبادت در دین اسلام بشمار می‌رود تا جاییکه در قرآن کریم بارها به اهمیت آن تأکید و به انجام آن توصیه شده است. بدین سبب که یاد خدا را به قلب انسان وارد نموده و او را به هدف نهایی بندگی یعنی قرب الهی نزدیک می‌گرداند. رکوع، تعظیم در برابر عظمت الهی و اعتراف به وحدانیت خداوند است. می‌توان خضوع و خشوع را از مهم‌ترین نتایج و آثار آن دانست که خود برطرف‌کننده تکبر در اعمال عبادی می‌باشد. در کاوش پیش رو که در حیطه قرآن و حدیث صورت گرفته است، آثار رکوع به صورت توصیفی-تحلیلی اعم از فواید اخلاقی، معنوی و اخروی بررسی گردیده و موارد زیر یافت شده است؛ از جمله: رکوع موجب طاعت، دوری از گناه و فریاد ابلیس، مزین شدن به نور بهاء الهی، ساکن شدن در سایه عظمتش و ملبس شدن به لباس برگزیدگان، تعجب فرشتگان از اعطای نور و هبه الهی و مباحثات به فرد راکع، اظهار ادب و دوری از تکبر، پاک شدن دل از حسد، زمینه درک ولایت به واسطه عشق و محبت ائمه، نیل به رستگاری و قرب، آسودگی از وحشت قبر و حرمت جسم راکع بر آتش، عاقبت به خیری و رسیدن به مقام علین و حصول طرق سعادت، صعود نماز نورانی به واسطه رکوع کامل و گشایش درب‌های رحمت الهی و درنهایت احترام خداوند به موسپیدان راکع.

کلیدواژه‌ها: رکوع، اخلاقی، معنوی و اخروی

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

<sup>۲</sup>. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول) T\_Akbarirad@iau-tnb.ac.ir

<sup>۳</sup>. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه:

در این نوشتار درصدد آنیم که به فواید و آثار رکوع که به سلامت روحی، جسمی و اجتماعی و معنوی انسان کمک می‌کند دست‌یابیم. از آنجایی که رکوع به عنوان یکی از اعمال عبادی بشرمعرفی شده است و باری تعالی به آن تأکید بسیار دارند لذا محدوده این پژوهش، قرآن و احادیثی می‌باشد که در حقیقت مبین و مکمل مطالب وارد در آیات الهی است.

از آنجا که نماز در برخی از آیات الهی با نام ارکان مهم آن که رکوع و سجود می‌باشد آمده است و در روایات نیز بیان شده که نماز جز رکوع و سجده نیست. لذا در این نگارش، رکن رکوع از دیدگاه نگارنده بسیار حائز اهمیت می‌باشد. نماز در دین مبین اسلام مهم‌ترین عبادتی است که در ۵ نوبت بر انجام آن امر شده و از واجبات فروعی دین اسلام است. از آنجا که در پژوهش‌های قبلی نویسنده، رکن سجده مورد بررسی قرار گرفته است؛ اینک تحقیق پیرامون رکوع و آثار آن لازم می‌نماید. چراکه انسان برای انجام هر چه بهتر یک فعل عبادی ابتدا باید با مهم‌ترین اجزاء آن آشنا شود و آثار آن را دریابد تا بتواند فهم بهتر و عمیق‌تری نسبت به آن پیدا کند.

پیشینه این نگارش در تحقیقات دیگر به صورت بسیار مختصر، در حد مقدمه سجده بدون اینکه به طور مستقل به آن پردازد بحث شده است. در واقع این مورد پژوهش به صورت عنوانی و موضوعی پیشینه‌ای نداشته و بدین سبب تنها منابع در دسترس همان قرآن و کتب حدیثی و شروح آن‌ها می‌باشد.

در این مقاله، آثار رکوع که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در روح و جسم راکع، یا در خلیات اجتماعی و معنویات او تأثیر دارد مورد بررسی قرار گرفته است.

همه آثار رکوع از جمله طول عمر، ایجاد آسایش، سپر محکم در برابر انجام گناهان از جمله حسد، شاخص دورویی، ایجاد روحیه اطاعت‌پذیری و دوری از سرکشی و طغیان، بامحبت و عشق اهل بیت (ع) به بار می‌نشیند و در واقع به بهترین نتیجه دست می‌یابد.

این عبادت موجب قرب و دستیابی به جایگاه ویژه‌ای که خداوند برای بندگانش در نظر گرفته است می‌شود. تاجایی که خداوند به بنده راکعش افتخار می‌کند و گناهانش را از نگاه فرشتگان می‌پوشاند. انسان بدین وسیله به سعادت می‌رسد. و عاقبت به‌خیری را که دعای همیشگی یک انسان مؤمن است نصیب خود می‌نماید. انسان به واسطه رکوع تمام جسمش بر آتش جهنم حرمت می‌یابد، گناهانش مورد بخشش و نمازش بدین واسطه مورد پذیرش خداوند واقع می‌گردد. درب‌های آسمان بر این نماز بنده گشوده می‌شود و به نور شکوه و عظمت الهی مزین می‌گردد. این آثار برای عبد راکع جایگاهی را فراهم می‌کند که فرشتگان متعجب و مبهور او می‌شوند چراکه خداوند به این بنده مباهات می‌کند. انسان در رکوع سر تعظیم فرومی‌آورد و تکبر را از بین می‌برد. به همین واسطه با ایجاد خضوع و خشوع در روحیات وی، مأخوذ به ادب می‌شود.

خودرتربینی معضل اجتماعی جهان امروز است. انسان‌ها به واسطه خودخواهی و اومانیزم همه منافع را برای خود می‌خواهند و حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارند. بدین سبب بر آن شدیم، در این نوشتار تمامی آثار رکوع را مورد شناسایی و بررسی قرار دهیم.

اهمیت رکوع:

یکی از آداب قلبیه در عبادات و وظایف باطنیه سالک طریق آخرت، توجه به عز ربوبیت و ذلّ عبودیت است؛ و آن یکی از منازل مهمه سالک است؛ که قوت سلوک هر کس به مقدار قوت این نظر است، بلکه کمال و نقص انسانیت تابع کمال و نقص این امر است. و هرچه نظر آئیت و انانیت و خودبینی و خودخواهی در انسان غالب باشد، از کمال انسانیت دور و از مقام قرب ربوبیت مهجور است. حجاب خودبینی و خودپرستی از جمیع حجب ضخیم‌تر و ظلمانی‌تر است و خرق این حجاب از تمام حجب مشکل‌تر و خرق همه حجب را مقدمه است. (امام خمینی، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲) در این نوشتار ابتدا به اهمیت رکوع می‌پردازیم. اهتمام اسلام به رکوع تا جایی است که در قرآن بدان امر شده و در احادیث و جوب آن تأکید گردیده است. در حدیثی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ؛ وَالْقِرَاءَةَ سُنَّةً». (کلینی، ق ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۳۴۷) زراره بن اعین از یکی از دو امام صادقین (ع) نقل کرده که فرمودند: به راستی که خداوند رکوع و سجود را فریضه و واجب ساخته. (ابن بابویه/ ترجمه غفاری، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۵۴۰)

در روایات دیگر چنین بیان شده است که نماز که در دین اسلام دارای جایگاه والای است و خود از فروع دین محسوب می‌شود زمانی کامل و تمام می‌شود که رکوع و سجود آن به صورت کامل ادا شده باشد. رَسُولُ اللَّهِ (ص) می‌فرماید: لَأَصْلَاةَ لِمَنْ لَأَتَيْتُمْ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا. (ابن اشعث، بی تا، ص ۳۶) در واقع نمازی که رکوع و سجودش تمام و کامل نباشد نماز نیست. در این باره نیز امام علی (ع) چنین می‌فرماید: نِعْمَ الْعِبَادَةُ السُّجُودُ وَالرُّكُوعُ. (خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۲۲۹ - لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۹۳ - تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۵ - آقا جمال خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۲۲۹) بهترین عبادات رکوع و سجود است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۹۳) در آیات قرآن برای تفخیم و بزرگی شأن رکوع و نشان دادن جایگاه این رکن نماز که خود امر عظیمی است، به این ۲ رکن تبیین شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا لِمَا كَانَ اللَّهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْآيَاتِ أَمْرًا بِالصَّلَاةِ جَمْلَةً ثُمَّ نَصَّ عَلَيَّ بَعْضَ أَعْمَالِهَا تَنْبِيْهُهَا عَلَيَّ عَظْمِ مَحَلِّهِ وَكِبَرِ شَأْنِهِ كَذَلِكَ أَمْرٌ بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ مَفْرَدًا تَفْخِيمًا لِمَنْزِلَتَهُمَا فِي الصَّلَاةِ أَيْ صَلُّوا عَلَيَّ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ مِنَ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ... فَقَالَ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَكُلَّ هَذَا يَدُلُّ عَلَيَّ شِدَّةَ التَّأَكُّدِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَأَنَّهُمَا رُكْنَانِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مَا ذَكَرْنَا لَا تَتَمُّ إِلَّا بِهِمَا مَعَ الْإِخْتِيَارِ أَوْ مَا يَقُومُ مَقَامَهُمَا مَعَ الْإِضْطِرَارِ وَالتَّسْبِيْحِ فِيهِمَا وَاجِبٌ... (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۰۲)

رکوع در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه دین مبین اسلام با رکوع و سجود شناخته می‌شود. در عبادات ادیان دیگر رکوع و سجود وجود ندارد و خود این موجب حسادت یهودیان به مسلمین می‌باشد. (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۰۳)

عبارت "دینی که رکوع و سجود در آن نیست خیری در آن نیست" نشان از تأکید اسلام بر این امر دارد. در حقیقت باطن دین را، خیربودن رکوع و سجود آن می‌داند. رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: إِنَّهُ لَأَخْبِرَ فِي دِينٍ لَأَرْكُوعٌ فِيهِ وَ لَأَسْجُودٌ. (طوسی، امالی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۴)

در سوره توبه آیه ۱۱۲ «الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ» الَّذِينَ يُؤَاطِبُونَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْحَمْسِ، وَ الْحَافِظُونَ لَهَا وَ الْمُحَافِظُونَ عَلَيْهَا بِرُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا، وَ فِي الْخُشُوعِ فِيهَا وَ فِي أَوْقَاتِهَا. (کلینی، الکافی (ط-دارالحدیث)، ج ۹، ص ۳۸۳) خداوند متعال می‌فرماید: مواظبت کنندگان بر نماز همان خشوع کنندگان بر رکوع و سجودشان اند و این اهمیت و جایگاه بسیار مهم رکوع را در دین اسلام می‌رساند.

همچنین رکوع یکی از نشانه‌های ایمان بیان شده است. و نقص در رکوع موجب می‌شود که مسلمان، از جرگه مسلمین خارج شود.

آثار اخلاقی، معنوی و اخروی رکوع عبارت‌اند از:

۱- رکوع موجب طاعت، دوری از گناه و فریاد ابلیس

رکوع دعای بدون زبانی است که موجب طاعت و دوری از گناهان می‌گردد و فریاد ابلیس به خاطر طولانی شدن و تعبد انسان در برابر باری تعالی به آسمان بلند می‌گردد.

أَبَاعْبُدِ اللَّهَ (ع) يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ... كُونُوا دُعَاءَ إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ بِطُولِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ هَتَفَ إِبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَطَاعُوا وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدُوا وَ أَيْتُ. (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۱۸)

اباعبدالله (ع) می‌فرمود: بر تو باد به تقوای خدا و... اینکه مردم را با غیر زبان به مذهب خود دعوت کنید و بر شما باد بطول دادن رکوع و سجود، زیرا چون یکی از شما رکوع و سجود را طول دهد، شیطان از پشت سرش بانگ زند و بگوید: ای وای، که این اطاعت کرد و من نافرمانی و این سجده کرد و من سرپیچی کردم. (کلینی، اصول الکافی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۱۲۳- شیخ حر عاملی، جهاد النفس وسائل الشیعه، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۰۹).

۲- رکوع مزین شدن به نور بهای الهی، سکنی شدن در سایه عظمتش و ملبس شدن به لباس برگزیدگان

قال الصادق (ع): لا یرکع عبدالله رکوعاً علی الحقیقه، إلاً زینها الله به نور بهائه و اظله فی ظلال کبريائه و کساه کسوه اصفیائه و الرکوع اول و السجود ثان، فمن اتى بالاول صلح للثانی، فارکع رکوع خاشع لله بقلبه، متذلل و جل تحت سلطانه، حافظ له بجوارحه، حفظ خائف حزين علی ما فاته من فائده الرَّاكِعِينَ، يحكى انَّ الرَّبِيعَ بنِ خَثِيمٍ، كان يسهر بالليل الفجر في ركوع واحد، فاذا اصبح يزفر و قال: اه، سبق المخلصون و قطع بنا و استوف ركوعك باستواء ظهرك و انحطت عن همتك في القيام بخدمته إلاً بعونه و فر بالقلب من وساوس الشيطان و خدائعه و مكايده، فانَّ الله تعالى يرفع عباده بقدر تواضعهم له و يهديهم إلى اصول التواضع و الخضوع و الخشوع، بقدر اطلاع عظمته علی سرائرهم. (جعفر بن محمد (ع) مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ ق، ص ۸۹- شهید ثانی، شرح مصباح الشریعه، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۱۹-۱۲۲)

امام صادق (ع) می‌فرماید: هیچ بنده‌ای برای خدا به حقیقت رکوع نکند مگر آنکه خداوند تعالی او را به نور جمال خویش بیاراید و در سایه کبریایش در آورد و جامه برگزیدگانش بیوشاند...  
۳- تعجب فرشتگان از اعطای نور، هبه الهی به راکع در گاهش و مباحث به او... که ملائکه آسمان با وجود نورانیت و لطافتی که دارند، از نور او متعجب می‌شوند... (جعفر بن محمد (ع)، مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ ق، ص ۸۹-شهادت ثانی، شرح مصباح، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۱۹-۱۲۲)

در اخبار حضرت داود (ع) وارد است که خداوند به او فرمود: ای داود من دوست کسی هستم که او نیز مرا دوست داشته باشد... همین که شب فرامی‌رسد... هر دوستی با محبوب موردعلاقه خود خلوت می‌نماید آنگاه آنان رو به من می‌ایستند و با کلام من با من مناجات می‌کنند... این را در حال نشسته و ایستاده و در حال رکوع و سجود انجام می‌دهند... کمترین چیزی که به آنها عطا می‌کنم سه چیز است: ۱- قدری از نور خودم را در دل آنان می‌اندازم که در پرتو آن از من خبر می‌دهند همانگونه که من از آنها خبر می‌دهم. ۲- اگر آسمانها و زمین و آنچه در آنها است در میزان عمل آنها باشد باز آن را برای آنان اندک می‌شمارم. ۳- روی به سوی ایشان می‌کنم و کسی را که من رو به او می‌کنم هیچ کس نمی‌داند که چه می‌خواهم به او عطا کنم... (شهادت ثانی، آرام‌بخش دل داغ‌دیدگان، ۱۳۸۰ ش، ص ۵۰-۴۸)

امام هادی (ع) فرمود: خداوند به موسی گفت: ای موسی، هر وقت کسی برای عبادت من به رکوع و سجده می‌رود، به ملائکه‌ام فخر می‌کنم. پس کسیکه من به وسیله او به ملائکه خود مباحث کنم، او را گرفتار عذاب نمی‌کنم. (شیخ حر عاملی، الجواهرالسنیه، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۳)

۴- رکوع اظهار ادب، خشوع، خضوع و دوری از تکبر... در رکوع شخص راکع خم می‌شود، به حدی که در حال متوسط میان قیام و سجده قرار می‌گیرد، مانند تجلیل و تعظیم و اظهار ادب عرفا در مقابل اشخاص بزرگ به حدی که معمول و مرسوم است، ولی در سجده تا آخرین حد اظهار خضوع و خشوع و بندگی نمایش داده می‌شود... (جعفر بن محمد (ع) مصباح الشریعه، ۱۴۰۰ ق، ص ۸۹-شهادت ثانی، شرح مصباح الشریعه، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۲۲-۱۱۹)

آری یکی از معارف و حقایقی که موجب سعادت و خوشبختی و موفقیت انسان است معرفت پیدا کردن به حقیقت نفس از لحاظ خضوع و خشوع و فروتنی ذاتی او می‌باشد. که انسان را به حقیقت بندگی و عبودیت خویش آشنا کرده و صفات خودبینی و خودستایی و غرور را از قلب او خارج می‌کند؛ و این معرفت یا از طریق تفکر درباره امور و قوای محدود و ضعیف خود و با اقامه براهین حاصل می‌شود و یا با شهود مقام خود در مقابل شهود عظمت و جلال حق. و البته در طریق دوم صد درصد حالت یقین و حق‌الیقین برای قلب انسان صورت گرفته و جای شک و تردیدی باقی نمی‌ماند؛ و چون این شهود برای سالک و مؤمن حقیقی پیدا شد؛ در همه حالات خود اعم از حرکت، سکون، در حال انفراد و اجتماع راکع است به حقیقت رکوع، اگرچه صورت رکوع به عمل نیامده باشد. (شهادت ثانی، مصباح الشریعه، ۱۳۶۰ ش، ص ۶۱-۶۷)

بدین سبب یکی از عللی که خداوند نماز را که همان رکوع و سجود است واجب نموده، دوری از کبر و غرور و خضوع و خشوع در برابر الهی است. به همین جهت در نماز میت رکوع و سجود لحاظ نشده است چراکه هدف استغفار برای میت است و این نماز برای تواضع، خضوع و خشوع نیست.

«فرض الله ... الصلاة تنزيها من الكبر» للرکوع و السجود بمكارم بدنه على الأرض... (مجلسی، روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط-القديمه)، ۱۳۰۶ ق، ج ۹، ص ۲۷۸)

واضح أيضاً إلا أن فيه نوع ارتياب من حيث التعليل؛ لأن أوله يقتضى الاختصاص بصلاة الركوع و السجود و آخره يفيد زيادة الخشوع. ثم التعليل بأنها تعرب بين قرني شيطان ربما يفيد الاختصاص بالسجود؛ لورود بعض الأخبار في أن الشيطان يقول لقومه: إن الناس يسجدون لي و قد يلحق به الركوع؛ و يمكن أن يقال في التوجيه: إن نفي كون صلاة الجنائز ذات ركوع و سجود يستلزم نفي الخشوع حيث إنه من لوازم ذات الركوع و السجود و ذكر الخشوع للتصريح به و على كل حال يستفاد من الخبر عدم اعتبار الخشوع على أن. (شهيد ثانی، إستقصاء الاعتبار فی شرح الإستبصار، ۱۴۱۹ ق، ج ۷، ص ۳۷۷)

فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ التَّسْبِيحُ وَ الرُّكُوعُ وَ السُّجُودُ قِيلَ لِإِعْلَالِ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ خُضُوعِهِ وَ خُشُوعِهِ وَ تَعَبُّدِهِ وَ تَوَرُّعِهِ وَ اسْتِكَانَتِهِ وَ تَذَلُّلِهِ وَ تَوَاضُعِهِ وَ تَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مُقَدَّسًا لَهُ مُمَجِّدًا مُسَبِّحًا مُعَظَّمًا شَاكِرًا لِخَالِقِهِ وَ رَازِقِهِ وَ لَيْسْتَعْمِلَ التَّسْبِيحَ وَ التَّحْمِيدَ كَمَا اسْتَعْمَلَ التَّكْبِيرَ وَ التَّهْلِيلَ وَ لِيَشْغَلَ قَلْبَهُ وَ ذَهْنَهُ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ لَمْ يَذْهَبْ بِهِ الْفِكْرُ وَ الْأَمَانِيُّ غَيْرَ اللَّهِ فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ أَصْلُ الصَّلَاةِ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ... (ابن بابويه، علل الشرائع، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱)

اگر سائل بگوید: چرا در نماز تسبیح و رکوع و سجود قرار داده شده، در جواب گفته می‌شود: برای علت‌های متعددی، از جمله آنکه: بنده، علاوه بر خضوع و خشوع و تعبد و تورع و تذلل و خاکساری و تقربش به باری تعالی، او را تقدیس و تمجید نموده، تسبیحش کرده و مراسم بزرگداشت بجا آورده، خالق را شکر و از رازق تشکر کند و نیز به خاطر آن که عبد همان‌طوری که تکبیر و تهلیل را به کار برده تسبیح و تحمید را نیز استعمال نماید و همچنین جهت دیگرش آن است که قلب و ذهن بنده به ذکر خدا مشغول شده و به غیرش متوجه نگردد. (ابن بابویه، علل الشرائع / ترجمه ذهنی تهرانی، ۱۳۸۰ ش، ج ۱، ص ۸۲۹)

#### ۵- رکوع، پاک شدن دل از حسد

امام علی (ع) میفرماید: کسیکه در طول شب هماره در حال رکوع و سجود و ذکر خدا و به نماز و قرائت قرآن مشغول باشد، برای او (در نامه اعمالش) به اندازه‌ای حسنه و پاداش می‌نویسند که کمترین آن این است که همانند روزی که از مادر زاده شده است از (آلودگی) گناهانش، پاک می‌شود؛ و به شماره تمام حسنات الهی، درجات قرب و منزلتش افزونی گیرد و قبرش نورانی شود، دلش را از آلودگی‌های ناشی از حسد پاک و پاکیزه گردد و از عذاب قبر ایمنش کنند. (ابن بابویه، پاداش نیکی‌ها و کیفر گناهان، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۲۸-قضاعی، شرح فارسی شهاب الأخبار، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۶۵ و ۱۶۶)

#### ۶- رکوع، مطیع شدن و زمینه درک ولایت به واسطه عشق و محبت ائمه

جعفر بن محمد (ع): اَتَّقُوا اللَّهَ، وَ أَحْسِنُوا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ، وَ كُونُوا أَطْوَعَ عِبَادِ اللَّهِ، فَإِنَّكُمْ لَنْ تَنَالُوا وَكَلَايَتَنَا

إِلَّا بِالْوَجْهِ. (طوسی، امالی، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۷-مجلسی، بحارالانوار (ط- بیروت)، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸، ص ۱۸۷)  
 امام صادق (ع) در این باب می‌فرماید: أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ تقوی پیشه  
 کنید و رکوع و سجود را بخوبی انجام دهید و بدین واسطه مطیع‌ترین و فرمان‌برترین بندگان خدا باشید.  
 (مجلسی، بحارالانوار-ترجمه جلد ۶۷ و ۶۸/ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۱۹۶)  
 رسول الله (ص) نیز فرمودند: به خدای که جان محمد بید قدرت اوست که اگر مردی بایستد در میان رکن  
 و مقام و دایم صایم و قایم و راکع و ساجد باشد تا ملاقی جزای الهی شود و أهل بیت مرا دوست نداشته باشد  
 آن‌ها او را فایده و نفع نخواهد داد... (اربلی، کشف الغمّه، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۵۵۰)

۷- رکوع از طرق نیل به رستگاری و قرب  
 خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره  
 حج آیه ۷۷). «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و نیکویی را  
 انجام دهید، باشد که رستگار گردید. (شیخ حر عاملی، جهاد النفس وسائل الشیعه، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۱)  
 امام علی (ع): قَرَّبَ إِلَيَّ اللَّهُ بِالسُّجُودِ وَ الرَّكُوعِ وَ الْخُضُوعِ لِعَظَمَتِهِ وَ الْخُشُوعِ. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶ ش،  
 ص ۲۰۰ و ۵۴۴-تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۶۳ و ۳۲۳-تمیمی آمدی، تصنیف  
 غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۵-جمال خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۱۶) وَ لَا يُقَرَّبُ مِنَ اللَّهِ  
 إِلَّا كَثْرَةُ السُّجُودِ وَ الرَّكُوعِ. (لیثی واسطی، عیون الحکم، ص ۵۴۴-تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم،  
 ۱۴۱۰ ق، ص ۷۱۸ و ۷۹۱)

از آثار معنوی رکوع می‌توان چنین گفت که رکوع انسان را به خداوند نزدیک می‌کند در حقیقت  
 براساس معارف دینی به جز کثرت سجود و رکوع چیز دیگری انسان را به خداوند نزدیک نمی‌گرداند. البته  
 منظور امام، نزدیکی معنوی و رفعت و بلندی مرتبه در درگاه او است. (خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۶، ص ۴۲۸)  
 انسان در طول زندگی همواره نیازمند به یک حامی بزرگ است و هیچ چیز جز قرب به خداوند با عظمت و  
 بلندمرتبه انسان را آرام نمی‌کند. چراکه همه عالم درید قدرت اوست.

۸- رغبت به آنچه نزد خداست

امام علی (ع) فرمودند: من رغب فیما عند الله تعالی کثر سجوده و رکوعه. (تمیمی آمدی، غررالحکم و  
 دررالکلم، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۲۳-تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۷۵-آقا جمال  
 خوانساری، ۱۳۶۶ ش، ج ۷، ص ۱۴۳)

دراین حدیث درواقع خداوند انسان را به دستیابی به عالم غیب تشویق کرده است. و رکوع و سجود را  
 یکی از ابزار و لوازم شناخت عالم غیب و عوالم غیر مادی معرفی می‌کند. در حقیقت انسان به دستیابی به  
 معنویات، سکینه روحی و جسمی تشویق شده و مسیر آن به انسان آموزش داده می‌شود.

۹- رکوع، ملاک شناخت دورویی

رکوع شاخص شناخت دورویی در انسان‌ها می‌باشد. آن‌چنان‌که در روایات تأکید شده است، بی‌احترامی  
 به رکوع از نشانه‌های نفاق است.

عَلِيُّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ص) قَالَ: إِنَّ الْمُنَافِقَ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهِي وَيَأْمُرُ بِمَا لَا يَأْتِي وَإِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ اغْتَرَضَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَا لِالْغَيْرِاضِ قَالَ اللَّائِقَاتُ وَإِذَا رَكَعَ رَبَّضَ يُمَسِّي... (مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۱۴۰۴ ق. ج ۱۱، ص ۱۷۲)

امام سجاد (ع) فرمودند: منافق نهی می کند اما خود از کار زشت خودداری نمی نماید. و امر می کند ولی خود انجام نمی دهد. وقتی به نماز می ایستد متوجه این طرف و آن طرف است؛ و وقتی به رکوع می رود خود را مثل چهارپایان به زمین می اندازد. (مجلسی، مواعظ امامان (ع) (ترجمه جلد ۷۵ بحار الانوار)، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۲۵)

۱۰- آسودگی از وحشت قبر و حرمت جسم راکع بر آتش  
أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحْشَةٌ فِي الْقَبْرِ. (کلینی، الکافی (ط-الإسلامیه)، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۱- قطب الدین راوندی، الدعوات، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۷۶- مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۷۴) هر کس رکوع خود را درست بجای آرد وحشت قبر بدو راه نیابد و آسوده خاطر باشد و اندوه و دل تنگی نیابد. (ابن بابویه، پاداش نیکی ها و کیفر گناهان، ۱۳۸۱ ش. ص ۱۰۷- قضاعی، شرح فارسی شهاب الأخبار کلمات قصار پیامبر خاتم (ص))، ۱ جلد، ۱۳۶۱ ش. ص ۲۱۷)

یکی از ترس های انسان در وادی قیامت این است که، فطرت پاک آدمی می داند که گناهانش وی را مستحق و سزاوار درک عذاب الهی نموده است و آنچه باعث آرامش روح و جسم می شود وعده های خداوند به پاداش اعمالی است که موجب حفظ او از آتش جهنم می گردد.

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِلذُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ: بر پای دار نماز را در وقت زوال تا نیمه از شب و این آن ساعتی است که در روز قیامت جهنم را در آن وقت می آورند پس هر آن مؤمنی که در این وقت به سجود و رکوع و قیام مشغول باشد حرام گرداند خدای تعالی جسد او را بر آتش دوزخ. (شیخ بهایی، منهج النجاح، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۳۲- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ۱۳۶۶ ش، ص ۵۰۷)

۱۱- عاقبت به خیری راکع و رسیدن به مقام علین و حصول طرق سعادت  
رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَى صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ يَنْتَظِرُ وَقْتَهَا فَصَلَّاهَا فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا فَأَتَمَّ رُكُوعَهَا وَ سَجُودَهَا وَ خَشُوعَهَا ثُمَّ مَجَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَظَّمَهُ وَ حَمَدَهُ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ صَلَاةٍ أُخْرَى لَمْ يَلْغُ بَيْنَهُمَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كَأَجْرِ الْحَاجِّ وَ الْمُعْتَمِرِ وَ كَانَ مِنْ أَهْلِ عِلِّيِّينَ. (ابن بابویه، من لايحضره الفقيه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۱۱)

رسول خدا (ص) می فرمودند: هر کس نفس خود را برای نماز فریضه آماده کند و وقت نماز را انتظار کشد و آن را در اول وقت مقررش بجا آورد و با رکوع و سجود درست و خشوع نماز را تمام بجا آورد و بعد ادامه دهد نماز را به تعقیب با تمجید خدای عز و جل به صفاتی که دلالت بر عظمت خداوند تعالی کند و تعظیم الهی و حمد الهی کند تا آنکه وقت نماز دیگر رسد و در فاصله میان آن دو نماز کلامی که فایده مشروعی در آن نباشد نگوید خداوند متعال برای او ثواب کسیکه حج و عمره بجا آورد نویسد و او از اهل علین باشد یعنی اعلی مراتب بهشت. (ابن بابویه، ترجمه من لايحضره الفقيه، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۳۱۷- مجلسی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ۱۴۱۴ ق. ج ۳، ص ۱۱۵)



همچنین در این باره در جای دیگر می‌فرمایند: رسول الله (ص): فَإِذَا رَكَعَ قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! أَمَا تَرَوْنَهُ كَيْفَ تَوَاضَعَ لِجَلَالِ عَظَمَتِي أَشْهَدُكُمْ لَأَعْظَمَنَّهُ فِي دَارِ كِبْرِيَائِي وَجَلَالِي. فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَمَا تَرَوْنَهُ يَا مَلَائِكَتِي كَيْفَ يَقُولُ: أَتَرْفَعُ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ كَمَا أَتَوَاضَعُ لِلْأَوْلِيَاءِ، وَآتَنصِبُ لِخِدْمَتِكَ أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي لَأَجْعَلََنَّ جَمِيلَ الْعَاقِبَةِ. (حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۲۳)

وقتی رکوع می‌کند: خطاب می‌کند ای ملائکه ببینید این بنده من چگونه مرا تعظیم نمود من نیز به او عظمت در بهشت می‌بخشم وقتی سر از رکوع برداشت: می‌فرماید ای ملائکه ببینید بنده من با این عملش می‌گوید خداوند در برابر دشمنانت با شدت اعتلا می‌ایستم همان‌گونه که مقابل اولیای تو تواضع می‌کنم و برای خدمت به تو سراپا ایستاده‌ام پس من نیز او را عاقبت به‌خیر خواهم کرد.

امام باقر (ع) پیرامون همین مطلب از امام علی (ع) نقل می‌کنند که فرمود: متقین کسانی هستند که در حال رکوع که کمرهای خود را خم‌انیده‌اند و سجود و درحالی که اشک‌هایشان بر گونه‌هایشان جاری است، خداوند را به بزرگی یاد می‌کنند و برای رهایی از آتش دوزخ، به درگاهش پناه می‌برند. (ابن بابویه، صفات الشیعه، ۱۳۸۰ ش، ص ۶۵ و ۶۱ و ۵۹- ابن شعبه، تحف العقول، ۱۳۸۲ ش. ص ۲۶۵)

#### ۱۲- رکوع، ستر گناهان او در برابر فرشتگان و کفاره سیئات راکع

زمانی که بنده‌ای به رکوع می‌رود خداوند به او در برابر فرشتگان افتخار می‌کند. فرشتگان برای این بنده صلوات می‌فرستند و از درگاه الهی برای گناهانش طلب استغفار می‌کنند. این در حالی است که خداوند ساطر است و گناه مؤمن راکع را در برابر فرشتگان می‌پوشاند. این نشان‌دهنده علقه خداوند به بنده راکع اوست. انسان همیشه از فاش شدن گناهان و افعال قبیحش نزد دیگران واهمه داشته است یکی دیگر از آثار رکوع این است که موجب آرامش روحی و آسایش جسمی انسان و کسب اثرات معنوی برای او می‌گردد. این امرانسان را مشتاق می‌کند تا رکوعی درخور عظمت الهی بجای آورد و گناهان کمتری را مرتکب شده و بدین سبب محبت الهی را کسب نماید.

عَنِ الصَّادِقِ (ع): مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ مِثَالٌ فِي الْعَرْشِ فَإِذَا اشْتَعَلَ بِالرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ نَحْوِهِمَا فَعَلَ مِثْلَهُ مِثْلَ فِعْلِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَرَاهُ الْمَلَائِكَةُ فَيُصَلُّونَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ إِذَا اشْتَعَلَ الْعَبْدُ بِمَعْصِيَتِهِ أَرْخَى اللَّهُ عَلَى مِثَالِهِ سِتْرًا لِنَلَّا تَطَّلِعَ الْمَلَائِكَةُ عَلَيْهَا. (شیخ بهایی، مفتاح الفلاح، ۱۴۰۵ ق، ص ۲۰۱)

امام صادق (ع) در این باره فرموده‌اند: هیچ مؤمنی نیست که او را مثالی در زیر عرش نباشد که هرگاه آن مؤمن اشتغال نماید به رکوع و سجود و غیر ذلک از عبادات دیگر، آن مثال نیز مشغول به آن فعل شود که آن مؤمن می‌کند، پس چون ملائکه آن مثال را مشغول به آن فعل می‌بینند آن مؤمن را دعا می‌کنند و از برای او استغفار می‌نمایند و هرگاه آن بنده مشغول شود به فعل معصیتی، حضرت عزت پرده بر روی آن مثال کشد تا آنکه ملائکه را اطلاع بر آن فعل قبیحی که از آن مؤمن صدور می‌یابد حاصل نشود. (شیخ بهایی، منهاج النجاح، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۵۶)

رَسُولِ اللَّهِ (ص) نيز فرموده‌اند قَالَ: أَمْرُكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الْجَاهِدِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ الرُّكُوعِ وَ التَّهَجُّدِ بِاللَّيْلِ وَ إِطْعَامِ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ. (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۴۲۶)

آن سه چیز که کفاره سیئات است برملا ساختن سلام و اطعام طعام و گذراندن بخشی از شب بهنگام خفتن مردم به رکوع و سجود و قیام است. (ابن بابویه، ترجمه من لایحضره الفقیه، ۱۳۶۷ ش، ج ۶، ص ۲۸۷)

۱۳- صعود نماز نورانی به واسطه رکوع کامل و گشایش درب‌های رحمت الهی

امام علی (ع) قَالَ: نُبِيَّتِ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَسْهَمَ مِنْهَا إِسْبَاعُ الْوُضُوءِ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الرُّكُوعُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا السُّجُودُ وَ سَهْمٌ مِنْهَا الْخُشُوعُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْخُشُوعُ قَالَ التَّوَاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ وَ أَنْ يُقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ فَإِذَا هُوَ أَتَمَّ رُكُوعَهَا وَ سُجُودَهَا وَ أَتَمَّ سَهَامَهَا الْمَذْكُورَةَ صَعِدَتْ إِلَى السَّمَاءِ لَهَا نُورٌ يَتَلَأَلُ وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ لَهَا وَ تَقُولُ حَافِظَتٌ عَلَى حَفَظَتِكَ اللَّهُ وَ تَقُولُ الْمَلَائِكَةُ صَلَّى اللَّهُ عَلَى صَاحِبِ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَ إِذَا لَمْ يَتِمَّ سَهَامَهَا صَعِدَتْ وَ لَهَا ظُلْمَةٌ وَ غُلِقَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ دُونَهَا وَ تَقُولُ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ وَ يُضْرَبُ بِهَا وَجْهَهُ. (ابن

حیون، دعائم الإسلام، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۱۵۸)

در خطبه همام آمده است که نماز بر چهار سهم بنیان شده است، سهمی از آن تمام و کامل گرفتن وضو است و سهمی دیگر رکوع و دیگری سجود و سهمی از آن خشوع است. به رسول خدا (ص) عرض شد: ای رسول خدا! خشوع چیست؟ حضرت فرمودند: خشوع، تواضع در نماز است و این که بنده با تمام قلب و دل خویش به سوی پروردگار خود روی بیاورد.

خشوع در نماز که یکی از برترین اعمال عبادی محسوب می‌شود، به فرموده رسول الله (ص) ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با قلب انسان دارد. زمانی که نماز رکوع و سجودش و همه سهم‌های دیگر آن کامل شد به سمت آسمان صعود می‌کند درحالی که برای او نوری است که می‌درخشد...

در ادامه این خطبه در مورد نماز کامل با رکوع و سجود آمده است که: نماز با رکوع کامل درب‌های آسمان را باز می‌کند و می‌گوید حفظم کردی پس خدا تو را حفظ کند و اگر سهم‌های نماز کامل نشود نماز درحالی که تاریک است بالا می‌رود و درب‌های آسمان بسته می‌شود و نماز به او می‌گوید ضایعم کردی و خداوند ضایع کند و نماز به صورتش می‌خورد.

۱۴- احترام خداوند به مو سپیدان راکع

رَسُولُ اللَّهِ (ص) فرموده‌اند، قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى مَلَكًا... ثُمَّ يَقُولُ لَوْ لَا مَشَايخُ رُكْعٍ وَ فِتْيَانُ خُشَعٍ وَ صَبِيَانُ رُضَعٍ لَصَبَّ عَلَيْكُمْ الْعَذَابُ صَبًّا (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۷۵) خدا فرشته‌ای را خلق کرد... و گفت اگر حرمت پیران در حال رکوع نباشد، همانا که چنان عذابی بر شما فروریزد که از بدبختی تسلیم آن شوید. (کلینی، اصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۳۷۸- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ۱۳۶۶ ش، ص ۷۲۹)

نتیجه‌گیری:

در این نگارش اهمیت و جایگاه آثار ویژه‌ای که رکوع برای انسان به‌عنوان رکن اصلی نماز برجای می‌گذارد، بررسی شده است، در این پژوهش که جای خالی آن در تحقیقات پیرامون نماز بچشم می‌خورد؛ در واقع بر اساس قاعده جز به کل با واکاوی در آثار رکوع برای انسان به صورت جز به آثار و فواید نماز

به صورت کل و جامع برای زندگی آدمی در دنیا و آخرت پرداخته شده است. و سعی شده تا به آثاری که در مورد آنها در تحقیقات قبلی صحبتی نشده و یا بسیار گذرا به آن اشاره شده است دست یافته و به تبیین آنها بپردازیم.

درحقیقت با دستیابی به آثار نهفته و ناگفته رکوع، انسان درمی یابد که چه جایگاه ویژه‌ای در بین مخلوقات و در برابر خداوند دارد. انسان به واسطه رکوع کامل اوج می گیرد و نمازش مورد پذیرش الهی واقع می گردد.

اگر انسان به اهمیت و جایگاه رکوع در نمازهای یومیه دقت نداشته باشد نمی تواند به جایی برسد که نمازش مورد قبول درگاه احدیت قرار گیرد. چراکه در اهمیت نماز گفته شده، اگر در بین اعمال نماز مورد قبول واقع گردد بقیه اعمال نیز مورد پذیرش قرار می گیرد. در غیر این صورت هیچ عملی از فرد نماز گذار پذیرفته نمی شود. لذا باید دانست که پذیرش نماز به واسطه رکوع کامل آن است و پس از انجام نیکوی آن آثار مترتب بر رکوع در انسان تجلی می یابد.

زمانی که انسان رکوع را به صورت تام و کامل انجام داد تمامی آثار اخلاقی، معنوی و اخروی آن در انسان تجلی می یابد. این آثار انسان را به یک موجود آرام و صبور به دوراز خودپرستی مبدل می کند. و انسان به گونه‌ای خود را می یابد که در دنیا از بلایا در امان بوده و غرق در توجه و نگاه خداوند است. آینده‌ای درخشان و سعادت مند و به دوراز عذاب الهی در انتظار اوست. از آنجا که آدمی با کسب چنین آثاری از رکوع در نفس خویش نورانیتی کسب میکند و امیدوار به بخشش گناهانش می گردد، چراکه فرد راکع خود را غرق در نعمت و رضایت الهی می بیند و از طرفی رضوان الهی را در سرای دیگر طلب می کند که این همان هدف نهایی انسان سالک است.

#### منابع:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط- دارالحدیث)، ۱۵ جلد، دارالحدیث- قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹.
- الکافی (ط- دارالحدیث)؛ ج ۳؛ ص ۳۴۷.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لایحضره الفقیه، ۶ جلد، نشر صدوق- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ ش. من لایحضره الفقیه / ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر؛ ج ۱؛ ص ۵۴۰.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ۱ جلد، مکتبه النینوی الحدیثه- تهران، چاپ: اول، بی تا. الجعفریات (الأشعثیات)؛ ص ۳۶.
۴. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ (للیثی)، ۱ جلد، دارالحدیث- قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش. عیون الحکم والمواعظ (للیثی)؛ ص ۴۹۳.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ۱ جلد، دفتر تبلیغات- ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۱۷۵.
۶. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ۷ جلد، دانشگاه تهران- تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۶۶ ش.

۷. قطب الدين راوندى، سعيد بن هبة الله، فقه القرآن، ۲ جلد، مكتبة آية الله المرعشى النجفى - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۵ ق. فقه القرآن؛ ج ۱؛ ص ۱۰۲.
۸. طوسى، محمدبن الحسن، الأمالى (للطوسى)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. الأمالى (للطوسى)؛ النص؛ ص ۵۰۴.
۹. شيخ بهايى، محمدبن حسين، مفتاح الفلاح فى عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات (ط - القديمة)، ۱ جلد، نشر دارالأضواء - بيروت، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. كلينى، محمدبن يعقوب، گزیده كافی، ۳ جلد، مركز انتشارات علمى و فرهنگى - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۳ ش. گزیده كافی؛ ج ۳؛ ص ۱۱۱.
۱۱. شيخ حرعاملی، محمدبن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ۳۰ جلد، مؤسسة آل البيت (ع) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. وسائل الشيعة؛ ج ۶؛ ص ۲۹۷ و (مجمع البحرين ۳ - ۲۶۸).
۱۲. شيخ بهايى، محمدبن حسين، منهاج النجاح فى ترجمه مفتاح الفلاح، ۱ جلد، حكمت - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۸۴ ش. منهاج النجاح فى ترجمه مفتاح الفلاح؛ متن؛ ص ۱۰۰.
۱۳. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربى - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۰؛ ص ۳۱۴.
۱۴. برقى، احمد بن محمدبن خالد، المحاسن، ۲ جلد، دارالكتب الإسلامية - قم، چاپ: دوم، ۱۳۷۱ ق. المحاسن؛ ج ۱؛ ص ۵۲.
۱۵. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الأخلاق / ترجمه ميرباقرى، ۲ جلد، فراهانى - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۶۵ ش. مكارم الأخلاق / ترجمه ميرباقرى، ج ۲، ص ۱۵۶.
۱۶. شيخ حرعاملی، محمدبن حسن، جهاد النفس وسائل الشيعة / ترجمه صحت، ۱ جلد، انتشارات ناس - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ ش. جهاد النفس وسائل الشيعة / ترجمه صحت؛ ص ۱۰۹.
۱۷. مصباح الشريعة، منسوب به جعفر بن محمد عليه السلام، امام ششم ع، ۱ جلد، اعلمى - بيروت، چاپ: اول، ۱۴۰۰ ق. مصباح الشريعة، ص: ۸۹.
۱۸. شهيد ثانى، زين الدين بن على، شرح مصباح الشريعة / ترجمه عبد الرزاق گيلانى، ۱ جلد، پیام حق تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۷ ش. شرح مصباح الشريعة / ترجمه عبد الرزاق گيلانى؛ ص ۱۱۹-۱۲۲.
۱۹. مجلسى، محمدتقى بن مقصودعلى، روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ۱۴ جلد، مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۶ ق. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ۹؛ ص ۲۷۸.
۲۰. محمدبن حسن بن شهيد ثانى، إستقصاء الاعتبار فى شرح الإستبصار، ۷ جلد، مؤسسة آل البيت (ع) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۹ ق. إستقصاء الاعتبار فى شرح الإستبصار؛ ج ۷؛ ص ۳۷۷.
۲۱. ابن بابويه، محمدبن على، علل الشرائع، ۲ جلد، كتاب فروشى داورى - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م. علل الشرائع؛ ج ۱؛ ص ۲۶۰-۲۶۱.
۲۲. ابن بابويه، محمدبن على، پاداش نيكيها و كيفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال، ۱ جلد، انتشارات سرور - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربى - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق. بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۶۹؛ ص ۲۷۲.
۲۴. طوسى، محمدبن الحسن، الأمالى (للطوسى)، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق. الأمالى (للطوسى)؛ النص؛ ص ۶۷۹.

۲۵. اربلي، على بن عيسى، كشف الغمة/ ترجمه و شرح زواره‌ای، ۳ جلد، انتشارات إسلامية- تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۲ ش. كشف الغمة/ ترجمه و شرح زواره‌ای؛ ج ۱؛ ص ۵۵۰.
۲۶. شيخ حرعالملي، محمدبن حسن، جهاد النفس وسائل الشيعة/ ترجمه صحت، ۱ جلد، انتشارات ناس- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ ش. جهاد النفس وسائل الشيعة/ ترجمه صحت؛ ص ۱۱.
۲۷. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دارالكتب الإسلامية- تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، ص: ۱۷۲.
۲۸. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي، مواعظ امامان(ع) (ترجمه جلد ۷۵ بحار الأنوار)، ۱ جلد، اسلاميه - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۴ ش. مواعظ امامان(ع) (ترجمه جلد ۷۵ بحار الأنوار)؛ ص ۱۲۵.
۲۹. قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله، الدعوات (للاوندي)/ سلوة الحزين، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام مهدي(عج)- قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق الدعوات (للاوندي)/ سلوة الحزين؛ النص؛ ص ۲۷۶.
۳۰. مجلسي، محمدتقي بن مقصودعلي، لوامع صاحبقراني مشهور به شرح فقيه؛ ج ۴؛ ص ۷۴.
۳۱. قضاعي، محمدبن سلامه، شرح فارسي شهاب الأخبار(كلمات قصار ييامير خاتم(ص))، ۱ جلد، مركز انتشارات علمي وفرهنگي- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۱ ش. شرح فارسي شهاب الأخبار(كلمات قصار ييامير خاتم(ص))؛ متن؛ ص ۲۱۷.
۳۲. شيخ بهايي، محمدبن حسين، منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح، ۱ جلد، حكمت- تهران، چاپ: ششم، ۱۳۸۴ ش. منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح؛ متن؛ ص ۳۳۲.
۳۳. فتال نيشابوري، محمدبن احمد، روضة الواعظين/ ترجمه مهدي دامغاني، ۱ جلد، نشرني- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش. روضة الواعظين/ ترجمه مهدي دامغاني؛ ص ۵۰۷- شهيدثاني، زين الدين بن علي، آرام بخش دل داغديدگان(ترجمه مسكن الفؤاد)، ۱ جلد، روح- قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۰ ش. آرام بخش دل داغديدگان(ترجمه مسكن الفؤاد)؛ ص ۴۸.
۳۴. حسيني موسوي، محمدبن أبي طالب، تسلية المجالس و زينة المجالس(مقتل الحسين ع)، ۲ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامية- ايران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۸ ق. تسلية المجالس و زينة المجالس(مقتل الحسين ع)؛ ج ۱؛ ص ۱۲۸.
۳۵. حسن بن علي(ع)، امام يازدهم، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري(ع)، ۱ جلد، مدرسة الإمام المهدي(عج)- ايران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري(ع)؛ ص ۵۲۳.
۳۶. ابن بابويه، محمدبن علي، صفات الشيعة/ ترجمه توحيدى، ۱ جلد، انتشارات زرارة- تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش. صفات الشيعة/ ترجمه توحيدى؛ ص ۶۵ و ۶۱ و ۵۹.
۳۷. ابن شعبه، حسن بن علي، تحف العقول/ ترجمه حسن زاده، ۱ جلد، انتشارات آل علي(ع)- قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ ش. تحف العقول/ ترجمه حسن زاده؛ ص ۲۶۵.
۳۸. ابن بابويه، محمدبن علي، ترجمه من لا يحضره الفقيه، ۶ جلد، نشرصدوق- تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ ش. من لا يحضره الفقيه/ ترجمه غفاري، علي اكبر و محمد جواد و بلاغي، صدر؛ ج ۶؛ ص ۲۸۷.
۳۹. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت(ع)- قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق. دعائم الإسلام؛ ج ۱؛ ص ۱۳۶.
۴۰. نوري، حسين بن محمدتقي، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، مؤسسه آل البيت(ع)- قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۶؛ ص ۷۵.

